



دوره ۵۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰
صفحات ۱۲۷ تا ۱۵۰ (مقاله پژوهشی)

چالش‌های فراروی نظام نیمه‌آزادی در ایران

بابک پورقهرمانی*

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه

پریوش کرمانیان

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۱۴ - تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۴/۱۲)

چکیده

نظام نیمه‌آزادی از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است که به پیروی از دگرگونی‌های علوم جنایی در کشورهای غربی و در پاسخ به کاستی‌های مجازات حبس به نظام کیفری کشورمان راه یافته است. در این نهاد کیفری، فرد محکوم اوقاتی از محکومیت خود را با هدف شتاب‌بخشی به روندهای بازپروری و اصلاح و نیز کاستن از پیامدهای ناگوار تحمل مجازات حبس، در خارج از محیط آسیب‌زای زندان سپری می‌کند. این نهاد کیفری همانند دیگر نهادهای کیفری هرچند سودمند وارداتی، با وجود همه پیامدهای سازنده خود با چالش‌هایی همراه است. چالش‌های حقوقی (فقدان رویه قضایی، ابهام در ضمانت اجرا، مرجع صادرکننده، لزوم یا عدم لزوم درخواست آن از سوی محکوم علیه، مرجع صادرکننده، پیوند آن با نهادهای کیفری دیگر، چیرگی حبس‌گرایی نظام کیفری، باورمندی کمتر به نهادهای ارفاقی کیفری و نیز استثنا کردن برخی از جرائم از شمول این نهاد کیفری) و فراحقوقی که به دو دسته جرم‌شناختی (چالش مربوط به کارکردهای متعارف نظام عدالت کیفری و چالش‌های پس از آزادی از زندان در نظام نیمه‌آزادی) و نیز اجرایی (کمبود نیروی انسانی کارآمد و باورمند و حبس‌گرایی دادرسان) تقسیم می‌شود، از این حیث سزاوار یادآوری هستند. این پژوهش که با روش توصیفی و با بهره‌گیری از منابع دسته اول پژوهشی نگاشته شده، درصدد است مهم‌ترین چالش‌های پیش‌گفته را شناسایی و راهکارهای مناسبی را در برابر آنها به دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری ایران پیشنهاد کند.

واژگان کلیدی

بازپروری، جامعه، زندان، محکوم، نظام نیمه‌آزادی.

* pourghahramani@iau-maragheh.ac.ir

مقدمه

بزه‌کاری در هریک از قلمروهای زندگی انسانی امری طبیعی است. بنابراین هنگام برنامه‌ریزی کنش‌های نظام عدالت کیفری در برابر پدیده‌های گوناگون بزه‌کاری و آسیب‌های اجتماعی باید در نظر داشت که همه انسان‌ها در طول زندگی خود در ارتکاب رفتارهای جامعه‌ستیزانه مشارکت دارند (Piquero, 16: 2016). از همین رو، پیش‌بینی مناسب‌ترین و کارآمدترین پاسخ‌ها در برابر بزه‌کاری در شمار رسالت‌های بنیادین نظام‌های عدالت کیفری است.

در پی پیدایش دانش جرم‌شناسی در پایان سده نوزدهم، جرم‌شناسان و کیفرشناسان کوشیدند که با اندیشه‌ورزی در زمینه مهم‌ترین چالش‌های فراروی حضور محکوم در زندان شکلی از اجرای مجازات زندان را پیشنهاد دهند که در عین برخورداری از ویژگی‌های قهرآمیز مجازات‌ها، بتواند بیش از پیش به اصلاح و درمان محکوم نیز منتهی شود. در همین زمینه بود که در فرانسه و برخی کشورهای بنه‌لوکس، نظام نیمه‌آزادی روی کار آمد و زندانیان دارای شرایط توانستند با گذر از شیوه صرف اجرای مجازات زندان، ضمن تحمل این‌گونه از مجازات یادشده از مزایای آن نیز بهره‌مند شوند. در این زمینه باید دانست اگرچه سه دهه گذشته شاهد دور شدن فزاینده از شیوه‌های کنترل جرم و عدالت کیفری نسبت به سده بیستم میلادی بوده است (Garland, 2001: 3)، با این حال حاکمیت‌ها همواره کوشیده‌اند تا مناسب‌ترین و روزآمدترین راهبردها را برای کنترل جرم و پیامدهای گوناگون آن بیازمایند. از همین رو برای نمونه، در کیفرهای حبس طولانی‌مدت ممکن است بر اعمال یک اقدام طولانی درمان و اصلاح به‌ویژه در زمینه حرفه‌ای، آموزشی، روان‌شناختی و درمانی نسبت به بزه‌کار مبادرت شود (بولک، ۱۳۸۸: ۶۳). چنین اقداماتی به‌منظور دستیابی به اهداف پیشتر تعیین‌شده در قلمرو نهاد کیفری نظام نیمه‌آزادی اهمیت بسیار دارد.

در آغاز سده هجدهم میلادی محدود ساختن مجازات حبس و روی‌آوری به جایگزین‌هایی مناسب و منسجم برای آن مطرح شد. این جایگزین‌ها در آغاز با روش‌های محیط باز و نیمه‌باز آغاز شدند که به‌منظور دفع قسمتی از آثار زیانبار زندان و اصلاح آن در جهت بازپروری بزه‌کاران با کمک مردم استفاده شدند (آنسل، ۱۳۹۱: ۹۳). اما تحولات به این امر محدود نماند و اندیشمندان کوشیدند تا بسته به پیشرفت‌های فکری خود و نیز شرایط جامعه، جایگزین‌های دیگری را نیز به نظام‌های کیفری کشورها ارائه کنند. در همین زمینه بود که نظام نیمه‌آزادی با گذشت زمان و در پی آشکار شدن مزایای آن، مورد توجه کنشگران نظام‌های سیاست جنایی کشورها قرار گرفت. به‌عبارت ساده می‌توان گفت نظام نیمه‌آزادی در شمار نهادهایی است که در راستای تقلیل آثار زیانبار مجازات حبس و تسهیل بازگشت مؤثر محکوم به آغوش جامعه پس از تحمل محکومیت،

فرصت فعالیت‌های اجتماعی محکومان را در خارج از زندان فراهم می‌سازد (اکرمی و سیف‌الله‌پور، ۱۳۹۶: ۱).

نظام نیمه‌آزادی در نگاهی آغازین می‌تواند به صورت ابزاری ساده برای رهایی از مشکلات گوناگون موجود هنگام اثرگذاری مجازات زندان و کاهش جمعیت کیفری آن در نظر گرفته شود. بدیهی است که این باور که نظام نیمه‌آزادی تنها برای گریز از چالش‌های یادشده به وجود آمده است، به پیامدهای منفی گوناگونی از جمله به چالش کشیده شدن امنیت جامعه، بی‌اعتمادی مردم به نظام عدالت کیفری و نیز مواردی مانند ترس از جرم منجر می‌شود. در این نهاد به محکوم به‌عنوان انسان منفعل نگریسته نشده است، بلکه او می‌تواند در اعمال یا عدم اعمال مقررات نظام نیمه‌آزادی مؤثر باشد. بنابراین می‌توان از این نظام به‌عنوان نوعی توافق بین محکوم و مقام قضایی صالح نام برد (امیری و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۱)، در این صورت اهداف پیش‌بینی شده همانند بازپروری محکوم نیز بهتر تحقق خواهد یافت.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برای اولین بار در نظام قانونگذاری کشورمان و به پیروی از تحولات علوم جنایی در کشورهای غربی، به این نهاد رسمیت بخشید.^۱ افزون‌بر این، باید دانست از آنجا که ق.م.ا ۱۳۹۲ در مقایسه با قوانین ماهوی کیفری قبل به‌ویژه ق.م.ا ۱۳۷۰ نوآوری‌های بسیاری، در خصوص کاربرست یافته‌های بزه‌دیده شناسی برخوردار است (حاجی‌ده‌آبادی و یوشی، ۱۳۹۲: ۴۶). نظام نیمه‌آزادی می‌تواند ابزاری مناسب برای بازسازی بیشینه‌ای خسارات وارد بر بزه‌دیده نیز باشد. در واقع، نظام نیمه‌آزادی از جلوه‌های اصل فردی کردن کیفر و از جمله روش‌هایی است که در راستای کاهش جمعیت کیفری زندان با آزادی نیمه‌وقت مجرم موافقت کرده است، اما بر نظارتی دائم بر آن تأکید می‌ورزد. این روش علاوه بر تأکید بر قراردادی شدن عدالت کیفری بر پایه توافق، از یک سو ثبات خانوادگی بزه‌کار را حفظ می‌کند و از سوی دیگر اصلاح گام‌به‌گام مجرم را در دستور کار قرار می‌دهد (جلالی و همکاران، ۱۳۹۹: ۵۹). بنابراین باید آن را آشکارا به‌عنوان نهادی با هدف اصلاح بازپروری محکوم دانست.

بی‌تردید اصلاح و بازپروری بزه‌کاران یکی از رویکردهای شناخته‌شده در ق.م.ا ۱۳۹۲ است. بازپروری به‌عنوان هدفی از اهداف ضمانت اجرای کیفری بیشتر ناظر بر آموزش‌های علمی و فنی و حرفه‌ای به زندانیان است که آنها را به سمت رفتارهای اجتماعی مناسب و بهتر سوق می‌دهد. بازپروری بزه‌کاران برای نخستین بار در قالب درمان پزشکی مجرمان از سوی بنیانگذاران

۱. ماده ۵۶ این قانون مقرر می‌دارد: «نظام نیمه آزادی، شیوه‌ای است که براساس آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر اینها را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت‌ها زیر نظر مراکز نیمه‌آزادی است که در سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می‌شود.»

مکتب تحقیقی مطرح شد. آنان عقیده داشتند بزهکاری نوعی بیماری زیستی - سرشتی است که باید با استفاده از مجازات به درمان این دسته از افراد مبادرت ورزید. بدین‌سان بازپروری مجرمان از نظر بنیانگذاران مکتب تحقیقی - به‌ویژه سزار لومبرزو به اقدامات درمانی - پزشکی محدود می‌شود (صفاری، ۱۳۸۴: ۱۱۵). پیشینه آشکار این رویکرد و همزمانی آن با پیدایش دانش جرم‌شناسی علمی ضرورت توجه نظام‌های عدالت کیفری را در همه روزگاران به کارکردها و پیامدهای مهم برخاسته از آن نشان می‌دهد. این روند در نظام کیفری ایران نیز با بازتاب بیش از پیش نهادهای ارفاقی کیفری همانند نظام نیمه‌آزادی به‌خوبی دیده می‌شود.

این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از رویکرد پژوهش‌های میان-رشته‌ای نگاشته شده، در پی پاسخگویی به این پرسش بنیادین است که مهم‌ترین چالش‌های فراروی نظام نیمه‌آزادی در کشورمان و راهکارهای مناسب فراروی آنها چیست؟ با توجه به اینکه یک نهاد کیفری از چشم‌اندازهای حقوقی و نیز فراحقوقی ارزیابی می‌شود، این نوشتار نیز بر پایه دو گونه چالش پیش‌گفته سازمان داده شده است.

۱. چالش‌های حقوقی فراروی نظام نیمه‌آزادی در ایران

مطالعه چالش‌های حقوقی فراروی نظام نیمه‌آزادی در بهسازی زمینه لازم برای نقش‌آفرینی آن اهمیت زیادی دارد، زیرا این نهاد در شمار نهادهایی است که در حقوق کیفری عمومی مطرح می‌شود. بنابراین، ویژگی بنیادین و اولیه آن حقوقی است و ارزیابی‌های انجام‌گرفته در آن بر پایه پیمایش‌های گوناگون جرم‌شناختی، کیفرشناختی و دیگر شاخه‌های علوم جنایی، پس از این ویژگی جای گرفته است.

شایان ذکر است که منظور از چالش‌های حقوقی، چالش‌های موجود در بطن نظام نیمه‌آزادی به‌عنوان یک نهاد کیفری مستقل است که بر پایه اصل قانونی بودن جرم و مجازات در قانون چهره یافته است. با آنکه در پرتو اصل ضروری بودن قانون کیفری، هریک از نهادهای کیفری باید با مطالعات گوناگون پرورده شده و تا آنجا شفاف و کارآمد در متن قانون پیش‌بینی شود که اهداف پیشتر تعیین‌شده خود همانند سزادهی یا بازپروری بزه‌کاران را تحقق بخشد، اما باز هم ممکن است به‌ویژه در مورد نهادهای کیفری وارداتی همانند نیمه‌آزادی، چالش‌هایی از این دیدگاه پدید آید. به‌گونه‌ای که با مجمل یا مبهم بودن سازه‌های این نهاد، دادرسان نتوانند به‌گونه‌ای مناسب و قابل انتظار به آن در دادنامه حکم کنند. با توجه به این مراتب، در ادامه مهم‌ترین چالش‌های حقوقی فراروی نظام نیمه‌آزادی بررسی می‌شود.

۱.۱. چیرگی حبس‌گرایی در نظام عدالت کیفری

شاید بتوان به زبان ساده، مهم‌ترین چالش حقوقی فراروی نظام نیمه‌آزادی را در کشورمان، چیرگی گفتمان حبس‌گرایی دانست. در واقع، از آنجا که بر پایه آموزه‌های دانش کیفرشناسی، مجازات زندان قدیمی‌ترین گونه از مجازات‌ها به‌شمار می‌آید، همچنان باید از چیرگی گرایش به این مجازات در ایران سخن گفت، چراکه بر پایه آموزه‌های دانش کیفرشناسی، حبس گزینه‌های بسیاری را در دسترس کنشگران نظام کیفری قرار می‌دهد و برای نمونه، دست‌کم به دلایل مختلف سیاسی، حقوقی و اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین و شایع‌ترین اقدام سالب توان بزه‌کاری به‌کار می‌رود (غلامی، ۱۳۹۶: ۱۴۹). همان‌گونه که چزاره بکاریا، پیشوای مکتب کلاسیک حقوق کیفری نیز بر این باور بود که هدف کیفر بیشتر باید پیشگیری باشد تا تنبیه (پرادل، ۱۳۹۶: ۵۰) و حبس نیز هر دو رویکرد پیش‌گفته را در اختیار نظام عدالت کیفری قرار می‌دهد.

افزون‌بر قانون مجازات اسلامی، در قوانین پراکنده کیفری همانند قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاه‌برداری، قانون شکار و صید، قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و... که در پرتو پدیده فنی شدن حقوق کیفری شایان توجه هستند، موارد متعددی از پیش‌بینی مجازات حبس دیده می‌شود، اگرچه با تصویب نهایی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹ از شدت آن آشکارا کاسته شده است. اما باید دانست که حبس‌گرایی واقعیتی آشکار در نظام کیفری کشورمان بوده و هنوز هم تا آزموده شدن نتایج عملی حاصل از اجرای قانون پیش‌گفته زمان زیادی نیاز است.

همچنین ازدیاد جمعیت کیفری زندان‌ها واقعیتی اجتماعی است و همانند تمام واقعیت‌های اجتماعی مبتنی بر یک سری معانی است و در یک کنش متقابل نمادین توسط کنشگران و به‌ویژه کنشگران دستگاه عدالت کیفری خلق می‌شود (پورمحمی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۶). با وجود این و با تکامل آشکار علوم جنایی و از جمله کیفرشناسی و جرم‌شناسی می‌توان انتظار داشت که این حبس‌گرایی نیز تا اندازه بسیاری تعدیل شود؛ به‌ویژه اینکه در سال‌های گذشته دستگاه قضایی کوشیده است تا در پرتو صدور دستورالعمل‌هایی این روند را محقق کند. برای نمونه، دستورالعمل اجرایی اعلام برخط ظرفیت پذیرش زندانیان به مقامات قضایی صلاحیت‌دار مصوب ۹۸/۵/۵ رئیس قوه قضاییه، به‌صراحت قضات دادگاه‌ها و دادرها را به دوری‌گزینی از تأکید بر مجازات حبس فراخوانده است.^۱ ماده ۱۶ دستورالعمل ساماندهی و تسریع در اجرای احکام مدنی مصوب

۱. ماده ۵ این دستورالعمل مقرر می‌دارد: «قضات دادرها و محاکم جز در موارد ضروری از صدور قرارهای تأمین مثبته به بازداشت و یا احکام حبس خودداری و از تأسیس‌های کیفری، موضوع قانون آیین دادرسی کیفری، قانون مجازات اسلامی دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها، مانند تعلیق تعقیب یا مجازات، تعویق صدور حکم، آزادی تحت

۱۳۹۸/۷/۳۰ نیز سازوکار ویژه‌ای را برای کاستن از میزان جمعیت زندانیان محکوم مالی پیش‌بینی کرده است.^۲

از چشم‌انداز نظری نیز باید یادآور شد که معایب فراوان زندان‌ها و توجه اهداف بازسازی‌گری محکومان سبب شده است که تدابیر مختلفی برای کاهش حضور محکومان در زندان پیش‌بینی شود و در این قالب «مقام اجرای مجازات» در مرحله اجرای حکم و حتی مرحله بعد از اجرای حکم دارای وظایف و اختیاراتی می‌شوند (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۶). در نهاد کیفری نظام نیمه‌آزادی نیز مقام قضایی یادشده بر پایه قانون، پیاده‌سازی این نهاد ارفاقی را نسبت به محکومی که استحقاق او در این باره پیشتر احراز شده است، بر عهده دارد. البته در سرتاسر جهان نیز این چالش وجود دارد و هواداران پیاده‌سازی نهادهایی ارفاقی و اصلاحی همانند نظام نیمه‌آزادی همواره با چالش حبس‌گرایی نظام کیفری مواجهند. ارزیابی قوانین کیفری نشان می‌دهد که هنوز هم مجازات حبس به عنوان گزینه‌ای مناسب که می‌تواند فرصت آزمودن رویکردهای گوناگون را برای پاسخ‌دهی بزه‌کار در قبال رفتار ارتكابی خود فراهم سازد، مورد استفاده نظام‌های عدالت کیفری است. از همین رو با آنکه حبس‌گرایی^۱ نظام‌های کیفری در سرتاسر جهان خود چالشی بنیادین در برابر پیاده‌سازی نهادهای ارفاقی هم‌پیوند با مجازات حبس همانند نظام نیمه‌آزادی است، اما باید بر این باور بود که فرجام نهاد ارفاقی نظام نیمه‌آزادی در گروه چاره‌اندیشی برای برطرف کردن این چالش است. تنها در این صورت است که می‌توان به آینده و دستیابی به نتایج علمی قابل انتظار از نظام نیمه‌آزادی خوش‌بین بود.

برای آنکه بتوان چالش حقوقی فراروی نظام نیمه‌آزادی را بهتر درک کرد باید اشاره شود که به‌طور کلی در حقوق کیفری، میان چهره یافتن یک نهاد نوین کیفری در نظام عدالت کیفری یک

نظارت سامانه‌های الکترونیکی، آزادی مشروط و مجازات‌های جایگزین حبس استفاده نمایند». ملزم کردن دادرسان به پیاده‌سازی نهادهای ارفاقی با بیانی صریح، ویژگی مهم این دستورالعمل رئیس دستگاه قضاست.

۱. این ماده مقرر داشته است: «به‌منظور کاهش جمعیت زندانیان محکوم مالی و در اجرای سیاست‌های کلی قضایی مبنی بر توجه به امور زندانیان، اقدامات زیر انجام می‌شود:

۲. رؤسای کل دادگستری‌ها برنامه بازدید دوره‌ای قضات دادگاه‌ها و اجرای احکام را مشتمل بر موارد زیر تدوین و با همکاری سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در سطح کلیه حوزه‌های قضایی اجرا می‌نمایند: الف) بررسی وضعیت زندانیان محکوم مالی از نظر تعداد، میزان محکومیت، علت بازداشت و نحوه نگهداری آنان، ب) بررسی درخواست‌ها، مسائل و مشکلات حقوقی زندانیان و مساعدت‌های قانونی لازم، پ) انجام اقدامات مؤثر به‌منظور آزادی زندانیان محکوم مالی از طریق شوراها حل اختلاف، ستاد دیه و انجمن حمایت از زندانیان.

۳. رؤسای زندان‌ها مکلف‌اند امور زیر را در خصوص زندانیان محکومیت‌های مالی انجام دهند: الف) ارائه آمار محکومان مالی با قید میزان، آخرین وضعیت محکومیت و مدت حضور آنان به واحدهای اجرا به‌صورت برخط؛ ب) ارشاد زندانیان محکوم مالی، توسط مددکاران زندان جهت ارائه فهرست اموال و دارایی خود براساس قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، مصوب

کشور با پذیرش آن در میان کنشگران این نظام و به‌ویژه قضات دادسرا و دادگاه تفاوت وجود دارد، چراکه چهره قانونی یافتن هر نهاد کیفری لزوماً به مفهوم پذیرش آن نهاد در میان کنشگران پیش‌گفته نیست؛ به‌ویژه اینکه گذشت زمان نیز لازم است تا نهادی کیفری همانند نظام نیمه‌آزادی که پیشتر در جوامع غربی زاده و آزموده شده و از دیدگاه ارزیابان خود به‌عنوان نهادی کارآمد و سودمند به‌نظر می‌آید، بتواند در کشور ما نیز با چنین نگرش مثبتی رویارو شود. دستورالعمل‌های پیش‌گفته صادره از عالی‌ترین مقام قضایی نیز امیدها را برای تحقق این هدف افزایش داده است. با افزایش پایداری دادرسان به مفاد این دستورالعمل‌ها می‌توان انتظار داشت که از حبس‌گرایی پیش‌گفته کاسته شده و زمینه لازم برای پیاده‌سازی نهادهای سازنده‌ای همانند نظام نیمه‌آزادی فراهم شود.

برای چیرگی بر این چالش، قانونگذار کیفری ایران با تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳، به مبارزه با حبس‌گرایی پرداخته است. به‌گونه‌ای که در ماده ۲ این قانون که تبصره‌ای را به ماده ۱۸ ق.م.ا.افزوده، برای اولین بار اصل لزوم صدور حکم به حداقل مجازات حبس را فراروی دادرسان کیفری نهاده است. ضمن آنکه در دیگر مواد این قانون نیز گستره مجازات حبس در نظام کیفری ایران آشکارا یافته است.^۱

۲.۱. فقدان رویه قضایی

بر پایه آموزه‌های حقوق کیفری عمومی، رویه قضایی یکی از منابع فرعی حقوق کیفری است که خود می‌تواند به تکامل این شاخه از علوم جنایی یاری رساند. مطالعه جایگاه نظام نیمه‌آزادی و چالش‌های فراروی آن نیز در پرتو مطالعه چشم‌انداز آن در رویه قضایی کشورمان بهتر درک می‌شود.

شایان ذکر است با توجه به عوامل پیش‌گفته و به‌ویژه تازگی تصویب ق.م.ا، تاکنون رویه قضایی چندانی درباره این نهاد کیفری پدید نیامده است. از همین رو امکان ارزیابی این نهاد و پیامدهای آن به‌طور کامل وجود ندارد، چراکه پیمایش پیش‌گفته هنگامی امکان‌پذیر است که آرای متعددی در خصوص آن صادر شود تا بتوان رویکردهای عملی دادگاه‌ها و حتی پیامدهای گوناگون را روی محکومان ارزیابی کرد. البته این چالش حقوقی کمابیش درباره هریک از دیگر نهادهای

۱. ماده ۲ قانون پیش‌گفته مقرر می‌دارد: «یک تبصره به شرح زیر به ماده (۱۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی الحاق می‌شود:

تبصره - چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند و عدم رعایت مفاد این تبصره موجب مجازات انتظامی درجه چهار می‌باشد.»

نویسنده کیفری نیز که به تازگی به نظام عدالت کیفری ایران راه یافته‌اند، دیده می‌شود و تنها به نظام نیمه‌آزادی منحصر نیست. افزون‌بر این باید اشاره شود که رویه قضایی در کشورمان با آنکه برخلاف نظام کامن‌لا در شمار منابع فرعی حقوق کیفری است، اما باز هم به‌ویژه در مورد نهادهای کیفری وارداتی و جدید می‌تواند بسیار کارآمد باشد و اهداف نظام عدالت کیفری را بهتر محقق کند. بنابراین فقدان رویه قضایی درباره نظام نیمه‌آزادی در حال حاضر چالشی است که تنها با توجه بیشتر دادرسان کیفری به اهداف این نهاد برطرف می‌شود.

با وجود این انتظار می‌رود که در پی پژوهش‌های تطبیقی در قلمروهای حقوق کیفری و نیز جرم‌شناسی، با برجسته ساختن پیامدهای سازنده برخاسته از نهاد کیفری نظام نیمه‌آزادی، رویه قضایی کشورمان نیز بیش از گذشته در این باره توسعه یابد، چراکه در هر صورت، این نهاد کیفری افزون‌بر پیامدهای سازنده خود گام مهمی در راه مدیریت زندان است که نیاز نظام عدالت کیفری ایران در این باره بسیار آشکار به نظر می‌رسد.^۱

۳.۱. باورمندی کمتر به نهادهای ارفاقی کیفری

چالش حقوقی دیگری نیز که فراروی نظام نیمه‌آزادی در حقوق کیفری ایران به چشم می‌خورد، مربوط به جایگاه نهادهای ارفاقی کیفری در میان راهبردهای گوناگون نظام عدالت کیفری در برابر جرائم است. با آنکه رهیافت اصلاح و درمان همانند شماری دیگر از رهیافت‌های کیفری آشکارا در قانون مجازات اسلامی پذیرفته شده و به جلوه‌گری نهادهای گوناگون ارفاقی همانند نظام نیمه‌آزادی در آن منجر شده است، اما باید دانست که این نگرش قانونگذار در برابر رویکرد شدت‌گرایی کیفری قرار می‌گیرد که در روزگار ما به‌ویژه در پرتو پیدایش چالش‌های بنیادینی همانند جهانی شدن بزه‌کاری اهمیت یافته است. بی‌گمان هدف از اعمال کیفر، حفظ حقوق انسان و جلوگیری از تعدی و تجاوز به آنها به‌منظور تحقق آرمان عدالت است (سپهوند، ۱۳۹۲: ۴۲۳). پیاده‌سازی نهادهای ارفاقی کیفری همانند نیمه‌آزادی از یک سو هدف پیش‌گفته را محقق ساخته و از سوی دیگر امکان بازپروری بزه‌کاران را برای سازه بالینی نظام عدالت کیفری فراهم می‌کند. برای آنکه بتوان جایگاه نهاد کیفری مهم و سرنوشت‌سازی همانند نظام نیمه‌آزادی در زرادخانه کیفری را ارتقا داد و به تحقق پیامدهای سودمند آن امیدوار بود، لازم است که کنشگران نظام عدالت کیفری و به‌ویژه دادرسان کیفری را با مزایای گوناگون و آزموده‌شده آن آشنا ساخت. با

۱. تا هنگام پیدایش رویه قضایی، صدور نظریات مشورتی و نیز رهنمودهای پژوهشگاه قوه قضاییه در راه برچیدن چالش‌های گوناگون ناشی از نهاد نظام نیمه‌آزادی بسیار سودمند است. ضمن آنکه پویایی دکترین حقوق کیفری نیز در این باره می‌تواند قانونگذار کیفری را به اصلاح کاستی‌های کنونی در این نهاد تشویق کند.

چیرگی اساسی شدن حقوق کیفری در دهه‌های گذشته در سرتاسر جهان، بر اهمیت استفاده از نهادهای ارفاقی کیفری نیز در این قلمرو افزوده شده است. اما تنها در صورتی می‌توان به دستیابی به مزایای مهم نظام نیمه‌آزادی امیدوار بود که باورمندی به مزایای آن در مقابل کاستی‌های ناشی از رویکرد کیفری سرکوبنده در میان کنشگران قضایی پررنگ شود.

برای گذار از این چالش پررنگ اجرایی در نظام کیفری کشورمان باید از یک سو پیاده‌سازی روند اصلاح و درمان بزه‌کاران را در سیاست‌های کلان کیفری بیشتر در پیش گرفت تا از این راه نظام نیمه‌آزادی نیز به عنوان یکی از نهادهای ارفاقی جای‌گرفته در رهیافت پیش‌گفته، بیشتر مورد توجه دادرسان قرار گیرد. افزون‌بر این، آگاه‌سازی بیشتر دادرسان کیفری و نیز مقامات اجرای احکام کیفری از فلسفه و اهداف نظام نیمه‌آزادی در دکتین حقوق کیفری می‌تواند آنان را برای توجه بیشتر به این نهاد کیفری مصمم کند.

افزون‌بر این باید تأکید شود که بر پایه آموزه‌های جرم‌شناختی، استفاده انحصاری از نهادهای کیفری در پرتو کیفرگرایی صرف به پیدایش سوابق کیفری برای محکومان منجر می‌شود. سوابق کیفری واکنش اجتماعی بر فرد ایجاد می‌کند که همیشه منفی است. این برچسب پیامی را با این مضمون منتقل می‌کند که این شخص قابل اعتماد نیست و به‌نحوی نشان می‌دهد که شخص گناهکار است. حداقلی را که ایجاد می‌کند، این است که به این شخص همیشه به چشم مظنون می‌نگرند (مورفی، ۱۳۹۷: ۴۴۷). نظام کیفری ایران باید از پیش‌بینی نظام نیمه‌آزادی در زرادخانه کیفری به‌عنوان فرصت استفاده و با کاسته شدن از احتمال پیدایش سوابق کیفری و جرم‌زا برای شهروندان در پرتو بهره‌گیری از این نهاد کیفری ارفاقی، به مدیریت مناسب جرم‌شناختی کنش‌های افراد و پیشگیری از پیامدهایی همانند پایداری بزه‌کاری و به‌ویژه تشدید انحراف یاری رساند. در این زمینه، سیاستگذاران قضایی و به‌ویژه رؤسای دستگاه قضا می‌توانند با صدور بخشنامه‌های مناسب، دادرسان را به استفاده هرچه بیشتر از نهادهای ارفاقی کیفری برای دستیابی به هدف اصلاح و بازپروری بزه‌کاران رهنمون سازند. این امر به‌ویژه در مورد نظام نیمه‌آزادی که به‌تازگی در نظام کیفری کشورمان پدیدار شده است، بسیار سودمند به نظر می‌رسد.

۴.۱. ابهام در مرجع صادرکننده نظام نیمه‌آزادی

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که در زمینه اجرای نظام نیمه‌آزادی وجود دارد، مرجع صادرکننده آن است. عمده بحث نیز این است که آیا دادگاه بدوی چنین حقی دارد یا آنکه صدور این رأی منحصراً با مرجع تجدیدنظر است. برای نمونه، در صورتی که مرجع بدوی محکومیت به حبس تعزیری درجه ۷ را صادر کند و محکوم نیز به صدور نظام نیمه‌آزادی رضایت داشته باشد و سپس

پرونده به مرجع تجدیدنظر برود و در آنجا نقض شود، در این صورت تکلیف چیست؟ اگر این باور وجود داشته باشد که اصولاً دادگاه بدوی حق صدور این مجازات را ندارد که اشکالی پیش نمی‌آید، اما در صورت اعتقاد به صلاحیت هر دو مرجع بدوی و تجدیدنظر باید دید که این اختلاف چگونه برطرف می‌شود.

به اعتقاد نگارندگان از آنجا که شرط بنیادین صدور حکم به مجازات نظام نیمه‌آزادی قطعی بودن حکم است و آرای مراجع بدوی نیز قطعی نیستند، در این صورت مرجع بدوی صلاحیت صدور حکم به این مجازات را ندارد، چراکه رأی صادره در مرجع بدوی غیرقطعی و متزلزل است و ممکن است در رسیدگی تجدیدنظر نقض شود.

در ماده ۵۶ ق.م.ا نیز گفته شده است که محکوم می‌تواند در زمان اجرای مجازات حبس درخواست اصدار مجازات نیمه‌آزادی را کند. هنگامی که از محکوم سخن گفته می‌شود، بدین مفهوم است که فردی که مجازات حبس او مسجل شده است، بر پایه این ماده می‌تواند درخواست صدور مجازات نیمه‌آزادی را داشته باشد. البته باید خاطر نشان شود که هنگام صدور رأی بدوی چنانچه محکوم خود به صدور مجازات نیمه‌آزادی رضایت داشته باشد، در این صورت دیگر تجدیدنظر معنی ندارد، زیرا خود فرد محکوم قبول کرده است که تحت رژیم کیفری مجازات نیمه‌آزادی باشد. در واقع او محکومیت خود را پذیرفته است. باید افزود که نیمه‌آزادی در واقع از شیوه‌های اجرای مجازات حبس است. با این حال مناسب است که همانند بسیاری از دیگر نهادهای کیفری، مرجع صدور حکم به مجازات نیمه‌آزادی به‌طور روشن مشخص شود.

۵. ۱. لزوم یا عدم لزوم درخواست محکوم
یکی دیگر از چالش‌ها یا ابهامات موجود درباره‌ی نهاد نظام نیمه‌آزادی در قانون مجازات اسلامی، لزوم یا عدم لزوم درخواست محکوم است. منشأ این ابهام نیز در اینجاست که از صدر ماده ۵۷ چنین برداشت می‌شود که دادگاه رأساً به این مجازات حکم می‌دهد. درحالی‌که ادامه این ماده می‌گوید که شخص در حین اجرای حبس می‌تواند تقاضای اصدار مجازات نظام نیمه‌آزادی را کند. بنابراین این اختلاف وجود دارد که آیا درخواست محکوم برای پیاده‌سازی این نهاد کیفری لازم است یا نه؟

بی‌تردید در صورت درخواست محکوم به حبس برای اجرای این نهاد کیفری، دادگاه مکلف به بررسی این درخواست است. اما در اینکه آیا وجود درخواست محکوم شرط انحصاری برای حکم به نظام نیمه‌آزادی است، همچنان اختلاف نظر وجود دارد. به عبارت دیگر، مشخص نیست که آیا دادگاه می‌تواند بدون درخواست محکوم نیز به این نهاد ارفاقی کیفری حکم بدهد یا نه؟ چراکه

پیشتر نیز گفته شد که صدر و ذیل ماده از این نظر با یکدیگر مخالفت دارند. بنابراین به اعتقاد نگارندگان تا هنگام اصلاح این کاستی باید بر پایه اصل تفسیر به نفع متهم، امکان صدور حکم به مجازات نظام نیمه‌آزادی را منحصر به درخواست محکوم به حبس ندانست.

۶.۱. ابهام در ضمانت اجرای نظام نیمه‌آزادی

بی‌گمان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های یک نهاد کیفری ضمانت اجرای پیش‌بینی‌شده در آن است. در دیگر نهادهای کیفری ارفاقی همانند آزادی مشروط و تعلیق برای تخلف از ارفاقات انجام‌شده نسبت به محکوم در بارهای اول و دوم ضمانت‌نامه پیش‌بینی شده است و هدف از آنها نیز وادار کردن محکوم به استفاده از امتیازات داده شده به او در پرتو ویژگی‌های اصلاحی و بازپرورانه این نهادهای ارفاقی است.

در نظام نیمه‌آزادی اما این بحث وجود دارد که اصولاً چه ضمانت اجرایی در قبال تخلف محکوم متقاضی از تکالیف پیش‌بینی‌شده در قانون برای او وجود دارد؟ با توجه به تازگی این نهاد کیفری در نظام عدالت کیفری کشورمان، به نظر می‌رسد که بررسی ضمانت اجرای پیش‌بینی‌شده برای آن در قانون مجازات اسلامی با ابهام مواجه است.

در این باره نمی‌توان به سادگی پاسخ داد که برای نظام نیمه‌آزادی پس از درخواست فرد محکوم تأمینی از او اخذ می‌شود و همین تأمین نیز به‌عنوان ضمانت اجرای پیش‌بینی‌شده برای این نهاد کیفری به‌شمار می‌آید، چراکه تأمین یادشده برای محکومیت است و نه برای شیوه اجرا یا جبران ضرر و زیان‌های ناشی از تخلف محکوم از شرایط مقررشده در آن.

در توضیح بیشتر باید گفت که نیمه‌آزادی در واقع محکومیت نیست، بلکه از شیوه‌های اجرای مجازات حبس است، چراکه مجازات اصلی فرد محکوم در اینجا مجازات حبس است. بنابراین اگر محکوم در آغاز درخواست نظام نیمه‌آزادی را داشته باشد و تعهد کند که شغل مشخصی را پیشه نکند، دادگاه می‌تواند از تصمیم خود عدول کرده و او را وادار به اجرای مجازات حبس کند. همان‌طور که اختیار صدور حکم به نیمه‌آزادی با دادگاه است، تخلف از آن نیز با دادگاه است. بنابراین باید گفت که ضمانت اجرای مقرر برای نظام نیمه‌آزادی در قانون مجازات اسلامی، تبدیل آن به مجازات حبس در صورت خودداری محکوم از انجام دستورهای دادگاه است.

در این باره باید خاطر نشان شود که نظام نیمه‌آزادی به‌منظور تعدیل پیامدهای منفی مجازات حبس پیش‌بینی شده است، بنابراین فرو کاستن آن به مجازات حبس در قبال تخلف محکوم از تکالیف معین‌شده برای او مناسب به نظر می‌رسد.

۱.۷. ابهام در گستره یا قلمرو موضوعی نظام نیمه‌آزادی

پرسشی که درباره گستره اجرایی نظام نیمه‌آزادی مطرح می‌شود این است که آیا این نهاد درباره همه جرائم اعمال‌شدنی است یا اینکه می‌توان آن را نسبت به جرائم خاصی قابل اجرا ندانست؟ در این باره باید گفت که به اعتقاد نگارندگان، پیاده‌سازی نظام نیمه‌آزادی درباره برخی جرائم به مصلحت جامعه و اجرای عدالت نیست. برای نمونه، در صورتی که یک مرتکب کلاه‌برداری ساده یا مشدد به دو سال حبس محکوم شود یا چنانچه مرتکبان جرائم اقتصادی به چنین مجازاتی محکوم شوند، چگونه می‌توان از پایمال شدن مصلحت جامعه بیمناک نبود؟ باید دانست که معیار پیاده‌سازی نظام نیمه‌آزادی درجه جرم نیست، بلکه درجه محکومیت است، چراکه قانون از عبارت حبس‌های تعزیری درجه... استفاده کرده است.

از آنجا که رهیافت مدیریت ریسک جرم آشکارا در دستور کار نظام کیفری کشورمان جای گرفته است و در هریک از سازه‌های شکلی و ماهوی حقوق کیفری می‌توان نشانگان آشکار آن را دید، باید پذیرفت که نهاد ارفاقی نظام نیمه‌آزادی نیز درباره همه جرائم پیاده نمی‌شود، بلکه همانند اصل بنیادین نهادهای ارفاقی باید درباره جرائمی اعمال شود که مجرمان آن به دلیل نمایش ریسک کمتر برای جامعه، احتمال اصلاح و درمان را از خود نشان می‌دهند. در غیر این صورت، تحقق عدالت کیفری با تردید مواجه می‌شود.

بنابراین به اعتقاد نگارندگان با آنکه در متن قانون، قلمرو موضوعی نظام نیمه‌آزادی مشخص نشده است، اما بنا به ماهیت و نیز کارکردهای این نهاد اثرگذار کیفری، نمی‌توان همه جرائم را به‌طور مطلق دارای قابلیت برای اعمال نهاد کیفری پیش‌گفته نسبت به آن دانست و اعمال تفکیک از سوی دادرس کیفری صادرکننده حکم میان محکومیت‌های گوناگون تعیین‌شده برای جرائم ضرورت دارد. با وجود این مناسب است در راستای اصل قانونی بودن مجازات‌ها، این ابهام نیز در اصلاحات آتی تقنینی برطرف شود.

۱.۸. همپوشانی نیمه‌آزادی و نهادهای دیگر

دیگر چالش مربوط به نیمه‌آزادی هنگامی پدیدار می‌شود که اجرای این نهاد کیفری با دیگر نهادهای کیفری همپوشانی کند. برای نمونه، ممکن است میان حکم به آزادی مشروط و نیز نیمه‌آزادی همپوشانی ایجاد شود. از همین رو لازم است در رویه قضایی و نیز دکترین حقوق کیفری روشن شود که در این موارد باید اولویت را به کدام‌یک از نهادهای ارفاقی یادشده داد؟ در قانون مجازات اسلامی در این باره مقررهای وجود ندارد. اما می‌توان انتظار داشت که در صورت همپوشانی میان امکان اجرای نظام نیمه‌آزادی و نهادهای ارفاقی سستی که پیش از تصویب

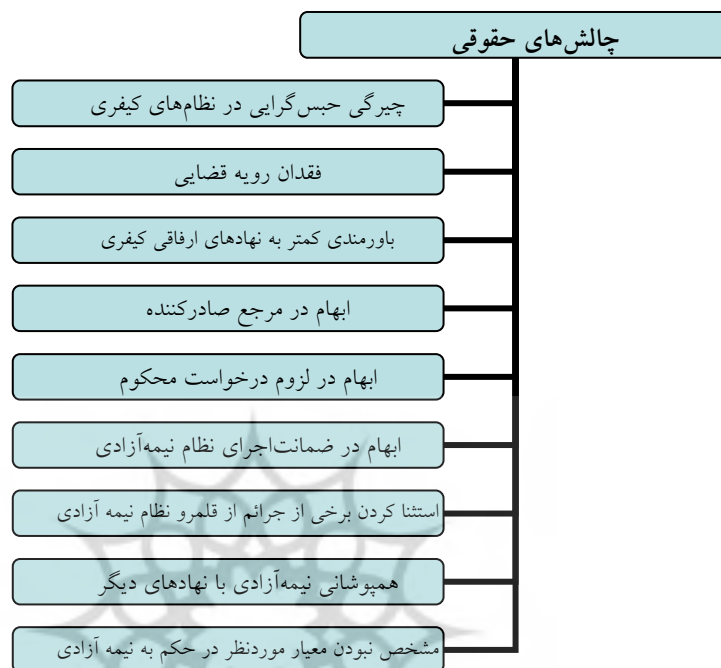
ق.م.ا ۱۳۹۲ نیز در زرادخانه کیفری کشورمان وجود داشته‌اند، دادرسان کیفری به آنها حکم دهند، چراکه از یک سو رویه قضایی مناسبی در این باره وجود دارد و از سوی دیگر، پیمایش‌های کافی درباره پیامدهای مناسب و سودمند آنها انجام گرفته است. از همین رو ضرورت دارد که قانونگذار کیفری ایران این چالش مهم را در اصلاحات آتی تقنینی اعمال کند.

به اعتقاد نگارندگان، در صورت همپوشانی نهاد نظام نیمه‌آزادی با دیگر نهادهای کیفری دادرس کیفری باید تشخیص دهد که با توجه به کاربست اصلاحی و بازپرورانه این نهادها، کدام یک از آنها بهتر می‌تواند محکوم به ارتکاب جرم را به زندگی متعارف بازگرداند و با کم‌توان کردن ریشه‌های جامعه‌ستیزی در وجود او، از احتمال ارتکاب جرائم آتی بکاهد.

۹.۱. مشخص نبودن معیار موردنظر در حکم به نیمه‌آزادی

چالش دیگر در خصوص نظام نیمه‌آزادی این است که برای پیاده‌سازی آن باید چه معیاری را در نظر گرفت؟ در این باره باید گفت که در جرائم تعزیری یک بار معیار تعزیر است و گاه نیز معیار محکومیت. در نهاد ارفاقی مجازات جایگزین حبس برای نمونه درجه جرم ارتكابی ملاک عمل است و بنابراین قانون، ملاک محکومیت را پذیرفته است.

در اینجا لازم است به رویه یادشده در قانون وصول درآمدهای دولت اشاره شود که مقرر کرده است که اگر دادگاهی مجازاتی را تخفیف دهد، نمی‌تواند به کمتر از سه ماه حبس حکم صادر کند. بلکه باید آن را به جزای نقدی تبدیل کند، چراکه فلسفه تصویب این قانون، پیشگیری از صدور حکم به حبس‌های کوتاه‌مدت است. بنابراین از آنجا که برای اعمال سامانه الکترونیک نسبت به محکوم باید مجازات حبس تعزیری درجه ۸ وجود داشته باشد، در مواردی که امکان اعمال چنین مجازاتی وجود ندارد، طبیعتاً امکان پیاده‌سازی مجازات با استفاده از سامانه‌ها و تجهیزات الکترونیک نیز وجود ندارد. با وجود این در نظام نیمه‌آزادی درباره معیار موردنظر قانونگذار ابهام وجود دارد، چراکه در قانون مجازات اسلامی که این نهاد کیفری نوین را به گونه‌ای کمابیش فشرده تبیین کرده است، تصریح خاصی دیده نمی‌شود. بنابراین همان‌گونه که قانونگذار در موارد مشابه به ذکر معیارهای دقیق مبادرت می‌ورزد، لازم است که در اصلاحات آتی در خصوص این نهاد کیفری نیز معیار مشخصی را برای صدور حکم به مجازات نظام نیمه‌آزادی تعیین کند تا بدین ترتیب کاستی‌های دیگری در هنگام پیاده‌سازی آن پدید نیاید.



۲. چالش‌های فراحقوقی فراروی نظام نیمه‌آزادی

در مبحث گذشته شماری از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی فراروی نظام نیمه‌آزادی در کشورمان به تفصیل بررسی شد. این مبحث نیز می‌کوشد تا مهم‌ترین چالش‌های فراحقوقی را در این باره بررسی کند. منظور از چالش‌های فراحقوقی در این نوشتار، چالش‌های جرم‌شناختی و نیز سازمانی فراروی نظام نیمه‌آزادی هستند، زیرا چالش‌های حقوقی این نهاد از چشم‌انداز آموزه‌های حقوق کیفری عمومی مورد توجه قرار گرفته‌اند. درحالی‌که چالش‌های جرم‌شناختی و نیز سازمانی بر پایه پیامدهای عینی اثرگذاری نظام نیمه‌آزادی مطرح می‌شوند.

بر پایه این مراتب، در ادامه و در چارچوب دو گفتار هریک از گونه‌های چالش‌های جرم‌شناختی و نیز چالش‌های سازمانی مطالعه می‌شود.

۲.۱. چالش‌های جرم‌شناختی

چالش‌های جرم‌شناختی یکی از گونه‌های چالش‌های فراحقوقی است که امکان دارد بر اثر پیاده‌سازی این نهاد کیفری در جامعه پدید آید. مطالعه این چالش‌ها می‌تواند دست‌اندرکاران رژیم کیفری ایران را با بهره‌گیری از تجارب گوناگون به‌دست‌آمده از اجرای این نهاد کیفری در سرتاسر

جهان، در راه دستیابی به اهدافی همانند اصلاح و بازپروری بزه‌کاران و نیز بازجامعه‌پذیری آنان کامیاب سازد.

۱. ۲. ۱. ۱. چالش مربوط به کارکردهای متعارف نظام عدالت کیفری

شاید بتوان مهم‌ترین چالش جرم‌شناختی فراروی نظام نیمه‌آزادی را تعارض آن با باورهای موجود درباره کارکردهای متعارف نظام عدالت کیفری دانست. به عبارت دیگر، مدیریت کیفری جامعه در پرتو بهره‌گیری از رویکردهای جرم‌شناختی خود می‌کوشد تا ممکن، جامعه را همواره از گزند پیامدهای ناگوار برخاسته از اشکال گوناگون بزه‌کاری ایمن نگاه دارد. اما در این میان، پیاده‌سازی نظام نیمه‌آزادی ممکن است با تدبیر پیشین نظام عدالت کیفری مبنی بر دور نگاه داشتن زندانی از جامعه و در واقع، طرد، توانگیری و خنثی‌کنندگی او منافات داشته باشد.

در این باره باید به خاطر داشت که یکی از مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین کارکردهای نظام عدالت کیفری، پیاده‌سازی مدیریت کیفری چالش‌های گوناگون در جامعه است. همان‌گونه که گفته شد، نظام عدالت کیفری باید با بهره‌گیری از توانمندی‌های معرفت‌شناختی و عملیاتی خود که گاه در صورت لزوم از میان-کنش با دیگر اجزای جامعه تحقق می‌یابد، دامنه پیامدهای همواره زیانبار این چالش‌ها را محدود سازد.

بنابراین باید خاطر نشان شود که مدیریت کیفری جامعه از چشم‌اندازهای گوناگونی قابل ارزیابی است. از یک سو میزان بازسازی زیان‌های برخاسته از جرم و کامیابی نظام عدالت کیفری در بازگرداندن وضعیت به شرایط پیش از ارتکاب جرم و از سوی دیگر میزان رضایت افکار عمومی از کنشگری‌های مقامات نظام عدالت کیفری در راستای پاسداری از کیان جامعه در برابر جرائم ارتكابی که از راه پژوهش‌های گوناگون جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی محقق می‌شود، زمینه مناسبی را برای ارزیابی کوشش‌های دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری ایران در راه مدیریت پیامدهای گوناگون ناشی از بزه‌کاری فراهم می‌آورد (حسانی و خلیل‌نژاد کیاسری، ۱۳۹۷: ۲۸). بر این پایه، از چشم‌انداز مدیریت کیفری نظام نیمه‌آزادی به‌عنوان نهادی کارآمد که می‌تواند به کاهش نمایان پیامدهای زیانبار برخاسته از اجرای مجازات حبس منجر شود، تعبیر می‌شود.

با وجود این و در راه مبارزه این چالش، در پیش گرفتن رهیافت مدیریت خطر جرم می‌تواند بسیار مناسب و سازنده باشد، چراکه در این صورت می‌توان نظام نیمه‌آزادی را تنها به محکومانی با خطر کم و قابل تحمل برای جامعه محدود کرد. در این صورت دیگر نمی‌توان به چالش‌آفرینی این نهاد نوپای کیفری در ایران اندیشید.

به‌طور کلی در زمینه چالش پیش‌گفته نظام نیمه‌آزادی این پرسش بسیار مهم پدید می‌آید که آیا نظام کیفری باید تنها در پی پیاده‌سازی عدالت کیفری سرکوبنده و صرف واکنش در برابر رفتار مجرمانه باشد یا آنکه این نظام می‌تواند با برخورداری از انعطافات عملکردی به سوی اصلاح و بازپروری گام بردارد؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند توجیه مناسبی برای پیاده‌سازی هر یک از اجزای نظام نیمه‌آزادی باشد تا از این راه دستیابی به اهداف از پیش‌برنامه‌ریزی‌شده آن نیز ممکن شود.

درباره پرسش پیش‌گفته باید اشاره شود که هر اندازه پیامدهای سازنده و مطلوب نهادهای گوناگون ارفاقی همانند نظام نیمه‌آزادی در پرتو کوشش‌های نظری و نیز تجارب عملی بیشتر روشن شود، شاکی و محکوم، کارکنان نظام عدالت کیفری و نیز افکار عمومی استقبال بیشتری را از آن نشان می‌دهند. با آنکه هیچ‌گیزی از پیدایش چالش‌های گوناگون در برابر این نهاد کیفری سازنده که خود از جوامع غربی برخاسته است وجود ندارد، با این حال لازم است که با استفاده از راهبرد فردی‌سازی مجازات‌ها، برنامه‌های پیش‌بینی‌شده برای این نهاد را با بیشترین میزان کارایی همراه کرد تا فرد محکوم باز جامعه‌پذیری مناسب و قابل‌انتظاری را سپری کند. در واقع، کوشش هر یک از کنشگران هم‌پیوند با نهاد ارفاقی نظام نیمه‌آزادی می‌تواند در بلندمدت، موافقان بیشتری را در میان دادرسان کیفری و دیگر مقامات نظام عدالت کیفری به‌دست آورد و از همین راه، بسترهای عملکردی بیشتری را برای این‌گونه پاسخ‌دهی‌های کیفری در برابر جرائم فراهم کند.

۲.۱.۲. چالش‌های پس از آزادی از زندان در نظام نیمه‌آزادی

از مهم‌ترین چالش‌هایی که در برابر نهاد ارفاقی نظام نیمه‌آزادی وجود دارد و می‌تواند دستیابی نظام عدالت کیفری را به اهداف از پیش‌برنامه‌ریزی‌شده از این نهاد اصلاحی به مخاطره افکند، چالش‌هایی است که ممکن است بر اثر برنامه‌های خارج از زندان در این روند علمی و اجرایی پدید آید. در این صورت می‌توان گفت با آنکه هزینه‌های مادی و انسانی شایان توجهی از سوی نظام عدالت کیفری درباره این نهاد ارفاقی کیفری صرف شده است، با وجود این امکان دستیابی به اهداف از پیش‌تعیین‌شده از آن وجود نداشته و حتی پیاده‌سازی ناقص این نهاد کیفری می‌تواند پیامدهایی جرم‌زا را برای جامعه به‌همراه داشته باشد. چراکه با آنکه نظام نیمه‌آزادی کاملاً ماهیتی اصلاحی و بازپرورانه دارد، اما هرگونه ناکارآمدی در اجرای برنامه‌های آن می‌تواند گرایش‌های مجرمانه را در بزه‌کار تقویت کند و سبب شود نتایج به‌دست‌آمده از اجرای این برنامه، نقض چیزی باشد که از آغاز در پیش گرفته شده است.

با توجه به این مراتب برای آنکه بتوان احتمال تحقق این چالش را کمتر کرد، لازم است که برنامه‌های استفاده‌شده در روند اجرای نظام نیمه‌آزادی در پرتو استفاده از آموزه‌های جرم‌شناختی و کیفرشناختی بارور شوند. این برنامه‌ها باید کاملاً فردی و سنجیده‌شده در نظر گرفته شوند؛ یعنی انتخاب نوع برنامه‌ی مربوطه برای بزه‌کاری که مشمول نهاد نظام نیمه‌آزادی است، باید بر پایه‌ی ویژگی‌های گوناگون شخصیتی، جسمانی، روانی، علایق و پایگاه اجتماعی او باشد تا از این راه بتوان به اصلاح عملکردهای وی امیدوار بود. در این صورت می‌توان گفت چالشی اجرایی که آشکارا کارآمدی و تناسب برنامه‌ی نظام نیمه‌آزادی را به مخاطره می‌افکند، به‌خوبی حل شده است، چراکه اگر قرار باشد به‌دلیل انتخاب برنامه‌ای نامتناسب، گرایش‌های مجرمانه در وجود فرد محکوم به این‌گونه از پاسخ‌های کیفری پررنگ‌تر شود، دیگر چه لزومی به اجرای این‌گونه مجازات وجود دارد که خود نیز می‌تواند آینده‌ی دیگر نهادهای ارفاقی کیفری را آشکارا با اشکال مواجه کند.

برای آنکه بتوان بر این چالش استوارانه چیره شد و به اهداف بازپرورانه‌ی نظام نیمه‌آزادی دست یافت، لازم است مراقبت‌های پساکیفری از سوی نهادهای معین نظام عدالت کیفری همانند مددکاران اجتماعی در مورد محکومانی که در چارچوب نظام نیمه‌آزادی در برنامه‌های خارج از زندان شرکت می‌کنند، پیاده شود.

۲.۲. چالش‌های اجرایی

روشن است که هنگام عملیاتی شدن هریک از نهادهای کیفری ممکن است در عمل، چالش‌های گوناگونی پدید آید. به‌عبارت دیگر، انتقال یک نهاد کیفری به‌ویژه نهادی نوپا از قلمرو اندیشه به عمل ممکن است با موانعی برخورد کند. برای آنکه بتوان انتظار داشت نهاد کیفری پیش‌گفته بتواند در عمل اهداف خود را محقق سازد، لازم است که برای مدیریت این چالش‌ها نیز برنامه‌ریزی شود. بر پایه‌ی این مراتب، در ادامه به مهم‌ترین چالش‌های اجرایی بدین مفهوم اشاره می‌شود.

۲.۲.۱. نبود نیروی انسانی کارآمد و باورمند

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مدیریت در روزگار ما، دارا بودن نیروی انسانی لازم و آموزش‌دیده است تا در پرتو چینش مناسب این عوامل در میان-کنش با دیگر عوامل بتوان امیدوار بود که سازمان موردنظر بیش از پیش به اهداف از پیش‌برنامه‌ریزی‌شده خود دست یابد. در واقع باید خاطر نشان شود که در عصر حاضر، بهره‌وری از توانایی‌های فکری، ذهنی و ظرفیت‌های بالقوه منابع انسانی به‌عنوان مزیت در مدیریت سازمانی محسوب می‌شود. توانمندی نیروی انسانی می‌تواند گام مفیدی در مدیریت هزینه، عملکرد بهتر و افزایش انعطاف‌پذیری سازمان باشد (دهنوی

و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۲). توانمندی یادشده به‌ویژه در قلمرو نظام عدالت کیفری نیز - که با مفاهیم مهمی همانند آزادی و امنیت و نیز کرامت انسانی در پیوند است - اهمیت بسیاری دارد و لازم است که هریک از کنشگران این سازه از نظام اجتماعی تا آنجا که ممکن است با مزایا یا کاستی‌های احتمالی برخاسته از پیاده‌سازی هریک از نهادهای کیفری آشنا بوده و آن را در عمل و هنگام صدور حکم به آن نهاد کیفری یا اجرای حکم در نظر داشته باشند. توانمندسازی نیروی انسانی به‌ترتیب پیش‌گفته به‌ویژه در قلمرو نهادهای کیفری وارداتی از کشورهای دیگر اهمیت دارد و رسالتی بنیادین بر دوش نظام عدالت کیفری به شمار می‌آید.

اجرائی ساختن نظام نیمه‌آزادی نیز که از نوآوری‌های ستودنی نظام کیفری ایران در ق.م.ا ۱۳۹۲ شناخته می‌شود، از این دسته است و باید نیروی انسانی لازم برای آن را در میان کنشگران گوناگون نظام عدالت کیفری جست‌وجو کرد تا از این راه به دستیابی به اهداف از پیش تعیین‌شده امیدوار بود، چراکه قانون تنها بیان‌کننده ارزش‌ها و راهبردهای بنیادین یک جامعه است که با راهبرد ارزش‌گذاری کیفری در راه پاسداری از آن کوشش می‌شود. اما پیاده‌سازی این راهبردها مستلزم وجود نیروی انسانی آگاه و توانمندی است که بتواند با گذار از چالش‌های گوناگون پدیدآمده فراروی آن نهاد، اهداف قانونگذار کیفری را از پیش‌بینی خود در این زمینه محقق سازد. با وجود این دیده می‌شود که نهادهای نوپای کیفری در زرادخانه کیفری کشورمان هنوز هم از این کاستی رنج می‌برند، چراکه به‌نظر می‌رسد به‌دلیل ماهیت فراملی این مفهوم، تبیین ویژگی‌ها و چارچوب‌های اصلی این گفتمان در میان بازیگران گوناگون فرایند کیفری کار دشواری باشد. همچنان که در قانون مجازات اسلامی نیز نهاد نظام نیمه‌آزادی کمابیش به‌صورت فشرده مطرح شده است. بنابراین تربیت نیروی انسانی کارآمد برای پیاده‌سازی نظام نیمه‌آزادی باید در کانون توجه دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری ایران قرار گیرد.

آنچه این برداشت را درباره نظام نیمه‌آزادی در کشورمان پررنگ‌تر می‌سازد، اهمیت آشکاری است که نیروهای انسانی توانمند در زمینه کنش‌های نظام عدالت کیفری دارا هستند و در واقع این نیروها باید از یک سو به روزآمدترین دانش‌ها و تجارب موجود در کارکردهای نظام‌های کیفری سرتاسر جهان مسلح باشند و از سوی دیگر نیز عملکردهای خود را بر پایه مبانی حقوق بشر و اصول بنیادینی همانند کرامت انسانی و نیز دادرسی منصفانه سامان دهند. در غیر این صورت باید انتظار داشت که نظام کیفری در راه دستیابی به هدف اصلاح و بازپروری بزه‌کاران که در ق.م.ا ۱۳۹۲ آشکارا چهره یافته است، با چالش مواجه می‌شود.

همچنین باید افزود که توانمندسازی نیروی انسانی درباره نظام نیمه‌آزادی باید در چارچوب دو سطح مقامات قضایی و نیز کارکنان اداری و اجرایی انجام گیرد. در واقع یکی از مهم‌ترین

چالش‌های فراروی نظام نیمه‌آزادی را باید کم‌باوری یا بی‌باوری دادرسانی دانست که با وجود پذیرش ویژگی‌های اصلاح‌گرایانه این‌گونه مجازات، باز هم بدان بی‌اعتنا هستند و می‌کوشند واکنش اجتماعی و رسمی به پدیده مجرمانه را با استفاده از دیگر شیوه‌های پاسخ‌دهی به انجام رسانند. این موضوع در بند آتی با تفصیل بیشتری بررسی خواهد شد، اما به‌اجمال باید خاطر نشان شود که توانمندسازی نیروی انسانی در زمینه مجازات نظام نیمه‌آزادی باید شامل توانمندسازی ذهنی کارکنان نظام عدالت کیفری در زمینه ماهیت و پیامدهای نظام نیمه‌آزادی باشد که فقدان آن از مهم‌ترین چالش‌های پیاده‌سازی این‌گونه مجازات‌ها به‌شمار می‌آید. افزون‌بر این، اجرا و اعمال نهادهای ارفاقی-همانند نظام نیمه‌آزادی-نیازمند فرهنگ قضایی است که بررسی دادنامه‌ها و تصمیمات مأخوذه در شعب کیفری بدوی و تجدیدنظر می‌تواند نمایانگر فرهنگ مذکور قلمداد شود (پورقهرمانی و نگهدار، ۱۳۹۷: ۲۲۹). گسترش این فرهنگ در میان دادرسان کیفری که در شرایط کنونی اختصار تقنینی از جمله با صدور دستورالعمل‌های قضایی مربوط انجام می‌گیرد، یکی از بایسته‌های توانمندسازی نیروی انسانی در راه گسترش به‌کارگیری نظام نیمه‌آزادی است.

در همین زمینه باید خاطر نشان شود که افزون‌بر نیروی انسانی نظام عدالت کیفری، دیگر بخش‌های جامعه نیز باید به برنامه‌های پیش‌بینی‌شده در چارچوب نظام نیمه‌آزادی تعهد داشته باشند. بی‌میلی کارفرمایان و حتی بخش‌های دولتی به‌منظور همکاری با سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی در زمینه اعمال نظام نیمه‌آزادی و در نهایت کوتاهی در زمینه رعایت حقوق آنان اعم از حقوق کار، حقوق انسانی و برخورد با آنان به‌مثابه یک مجرم و عدم اعتماد به ایشان که در نهایت موجبات سرخوردگی و دلزدگی و حقارت محکوم را در پی دارد و این خود موجب عدم اصلاح وی می‌شود و این تصور برای محکوم ایجاد می‌شود که حتی با وجود اعمال این نظام نیز به او به‌عنوان یک مجرم می‌نگرند (خزایی، ۱۳۹۳: ۱۲۰). با این توضیح می‌توان دریافت که اهمیت نقش‌آفرینی نیروی انسانی آموزش‌دیده در راستای پیاده‌سازی نظام نیمه‌آزادی تا چه اندازه آشکار است.

از آنجا که بسترهای پیاده‌سازی نظام نیمه‌آزادی ممکن است در چارچوب عملکرد هر یک از سازمان‌ها باشد، لازم است که مراجع پیش‌گفته نسبت به اهداف و نیز چالش‌های احتمالی فراروی نظام نیمه‌آزادی آگاهی کامل داشته باشند. در غیر این صورت ممکن است اهداف بازپرورانه از پیش‌بینی این نهاد در قانون، در عمل روی ندهند.^۱

۱. در این زمینه، ماده ۱۴ آیین‌نامه نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و جایگزین‌های حبس مصوب ۹۸/۲/۳ رئیس قوه قضاییه مقرر داشته است: «محل اجرای فعالیت‌های مورد حکم دادگاه در نظام نیمه‌آزادی می‌تواند در هر محلی از قبیل دستگاه اجرایی یا محل اقامت سایر اشخاص

بر پایه این مراتب به باور نویسندگان، باید در پرتو میان-کنش سازه‌های دکترین علوم جنایی و نظام قضایی، آن دسته از کنشگران نظام عدالت کیفری که به گونه‌ای در زمینه پیاده‌سازی نظام نیمه‌آزادی مشارکت دارند، مشمول برنامه‌های آموزشی مناسب در این باره قرار گیرند و به‌ویژه ماهیت و نیز اهداف بلندمدت این نهاد برای آنان روشن شود. در این صورت می‌توان انتظار داشت که چالش‌های گوناگون پدیدآمده از این رهگذر نیز در پرتو تربیت کارکنان باورمند و کارآمد، کمرنگ شود.

۲.۲.۲. کمرنگ بودن بسترهای اجرایی در میان دادرسان کیفری

برای آنکه یک نهاد کیفری از متن قانون به عرصه عمل وارد شود و جامعه را از منافع خود بهره‌مند سازد، باید در میان آماج‌های مناسب و موردنظر خود نیز پذیرش داشته باشد. در صورت فقدان این پذیرش، کارآمدترین و مناسب‌ترین نهادهای کیفری نیز نمی‌توانند پیامدهای سازنده خود را برای جامعه تحقق بخشند.

برای تحقق این اهداف، لازم است که در پرتو همکاری میان‌بخشی دانشگاه و نظام عدالت کیفری، مهم‌ترین پیامدهای سازنده نظام نیمه‌آزادی برای دادرسان کیفری روشن شود. در این صورت می‌توان در موارد مقرر قانونی انتظار داشت که این نهاد بسیار مهم کیفری نیز در دستور کار مقامات پیش‌گفته قرار گیرد.

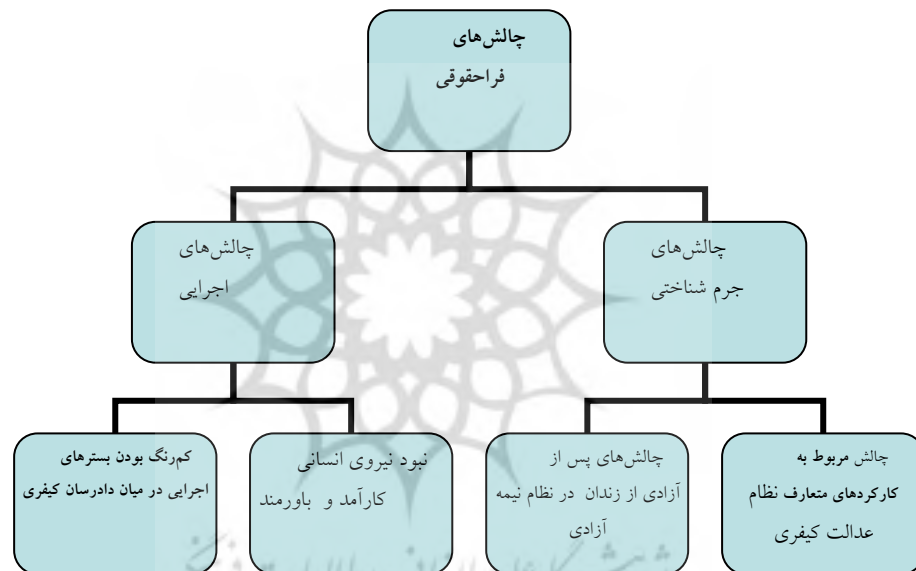
به‌طور کلی باید دانست که یکی از مهم‌ترین بخش‌های چالش‌برانگیز در نظام نیمه‌آزادی نگرش سرکوب‌گرایانه دادرسانی است که با بی‌اعتقادی به نهادهای ارفاقی همواره درصدد نمایش چهره خشن نظام عدالت کیفری در برابر هریک از گونه‌های رفتارهای مجرمانه هستند. حال آنکه پیگیری اهداف اصلاح و بازپروری از رهگذر اجرای مجازاتی ارفاقی همانند نظام نیمه‌آزادی می‌تواند در هریک از دیگر ساحت‌های مجرمانه پیامدهای مطلوبی را بر گروه‌های گوناگون بزه‌کاران کنونی و بزه‌کاران آتی بر جای گذارد.

در اینجا باید اشاره شود که مهم‌ترین رسالت نظام عدالت کیفری به‌عنوان سازه عملیاتی نظام اجتماعی در برابر بزه‌کاری، مدیریت کیفری است. در این زمینه، مناسب‌ترین و اثرگذارترین واکنش

حقیقی یا حقوقی اعم از عمومی یا غیردولتی باشد. در مورد محکومین نظامی، محل اجرای فعالیت، یگان‌های نظامی و انتظامی مربوط و مؤسسات وابسته می‌باشد. تبصره ۱- بنیاد تعاون زندانیان مکلف است با به‌کارگیری امکانات، تجهیزات و فضاهای در اختیار، همکاری‌های لازم را با مراکز نیمه‌آزادی انجام دهد. تبصره ۲- کارگاه‌ها و آموزشگاه‌های وابسته به بنیاد تعاون زندانیان، در صورت وجود ظرفیت و امکانات برای انجام فعالیت‌های شغلی و حرفه‌ای نظام نیمه‌آزادی دارای اولویت می‌باشند.»

اجتماعی در برابر جرم با توجه به شرایط و امکانات مثلث جنایی-جامعه، بزه‌کار و بزه-شناسایی و در پرتو اصول بنیادین حقوق کیفری عمومی پیاده می‌شود.

در این زمینه به نظر می‌رسد که بر پایه اصول مدیریت سازمانی و با تلقی نظام عدالت کیفری به‌عنوان سازمانی هدفمند، دادرسان باید در پرتو سازوکارهای تشویقی به استفاده هرچه بیشتر از نهاد نظام نیمه‌آزادی تشویق شوند. در این صورت، رویه قضایی مناسبی نیز درباره این نهاد در اختیار نظام کیفری قرار می‌گیرد.



نتیجه

استفاده از نهادهای کیفری نوین و اغلب ارفاقی در نظام عدالت کیفری ایران، خود در راستای پذیرش گفتمان‌های مهمی همانند اصلاح و بازپروری بزه‌کاران و حتی مدیریت ریسک جرم بوده است. گذشت زمان و چهره یافتن این نهادها در آرای دادرسان کیفری می‌تواند برآورد پیامدهای گوناگون آنها را امکان‌پذیر سازد و به دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری فرصت دهد که با آگاهی از خلأها و چالش‌های گوناگون احتمالی فراروی این نهادها، در راه برطرف کردن آنها بکوشند.

مجازات نظام نیمه‌آزادی همانند هر یک از دیگر نهادهای کیفری از یک سو بایسته‌هایی قانونی را برای تحقق اهداف از پیش‌برنامه‌ریزی شده خود دارد و از سوی دیگر پیاده‌سازی مناسب و کامل آن می‌تواند پیامدهای بسیار مهم و سازنده‌ای را برای جامعه به‌همراه آورد. از همین‌رو لازم است که مقتضیات این نهاد کیفری در راستای اصل حاکمیت قانون به‌خوبی در نظر گرفته شود.

چالش مهمی که فراروی نظام نیمه‌آزادی در کشورمان دیده می‌شود، نبود رویه قضایی کافی در این باره است. تازگی ورود این نهاد کیفری وارداتی به کشورمان و اختصار در تعیین قلمرو آن در قانون سبب شده است که همچنان ابهاماتی درباره چشم‌انداز ماهوی این نهاد وجود داشته باشد. راهکار مناسب در برابر این مشکل نیز صدور دستورالعمل‌های مناسب تا هنگام صدور قوانین مرتبط است. با توجه به چالش پیش‌گفته، اجرای این گونه نوین از مجازات در کشورمان نیازمند پیش‌بینی و پردازش زیرساخت‌های مناسب فرهنگی، اجتماعی، حقوقی و... است تا در پرتو این فرایند بومی‌سازی نهادهای کیفری، همه دستاوردهای سودمند و پذیرفته‌شده برای مجازات نظام نیمه‌آزادی به‌گونه‌ای کامل به‌دست آید و محکومان، بزه‌دیدگان و جامعه از آن بهره‌ور شوند. به‌نظر می‌رسد که اقتناع نظام عدالت کیفری ایران درباره کاستی‌های گوناگون موجود در مجازات سالب آزادی راه را برای نهادینگی بیشتر مجازات نظام نیمه‌آزادی و گذار آن از سد چالش‌های فرارو هموار کرده است.

باید به خاطر داشت که نظام نیمه‌آزادی با وجود همه کارکردهای سودمند خود به‌اختصار در قانون مجازات اسلامی بیان شده و همین واقعیت نیز پیدایش چالش‌های گوناگون حقوقی، جرم‌شناختی و... را در آن پدید آورده است. تبیین این چالش‌ها در دکترین و پیشنهاد راهکارهای لازم برای آنها می‌تواند قانونگذار کیفری را به تکمیل پردازش تقنینی این نهاد کیفری وادارد.

آنچه ضرورت پیش‌گفته را آشکارتر می‌کند، این است که جامعه ناگزیر است که میزان چشمگیری از منابع انسانی، علمی و سرمایه‌ای خود را برای اجرای مناسب چنین مجازاتی صرف کند. به‌ویژه اینکه این مجازات، واکنشی وارداتی از نظام‌های غربی است و نهادینه‌سازی آن در نظام کیفری کشورمان نیازمند سپری شدن زمان و صرف هزینه‌های گوناگون و شایان توجه است.

با توجه به مطالعه چالش‌های گوناگون فراروی نظام نیمه‌آزادی در این نوشتار، پیشنهادهایی کاربردی در این باره بیان می‌شود:

۱. اصلاح مقررات مربوط به نظام نیمه‌آزادی برای شفاف ساختن ابهامات گوناگون موجود در آن؛
۲. پویایی رویه قضایی سنتی برای توجه بیشتر به این نهاد کیفری به دلیل پیامدهای سازنده آن؛
۳. توجه به چالش‌های گوناگون پدیدآمده برای بازپروری محکوم به نظام نیمه‌آزادی در خارج از محیط زندان؛

۴. انجام پژوهش‌های تطبیقی در رویه قضایی و نیز دکترین حقوق کیفری عمومی در نظام‌های کشورهای صاحب سبک آن همانند کشورهای شمال اروپا برای چیرگی بر چالش‌های گوناگون آن؛

۵. تصریح قانونگذار به ضمانت اجرای مشخص برای خودداری محکوم از انجام شرایط مقرر در

این نهاد کیفری؛

۶. الزام مقامات زندان و قاضی اجرای احکام کیفری به آشناسازی محکوم با پیامدهای سازنده نهاد نظام نیمه‌آزادی و نیز ضمانت اجراهای آن؛
۷. برگزاری دوره‌های توجیهی و نیز دستورالعمل‌های قضایی برای الزام قضات کیفری به ارفاق‌گرایی کیفری و از جمله اصدار حکم به نظام نیمه‌آزادی در موارد مجاز.

منابع

الف) فارسی

۱. اکرمی، روح‌الله؛ سیف‌الله‌پور، فرزانه (۱۳۹۶). «تحلیلی بر نظام نیمه‌آزادی در حقوق کیفری ایران و فرانسه با رویکردی به مبانی فقهی آن»، فصلنامه پژوهش‌های تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۴، ش ۳، شماره پیاپی ۱۳، ص ۳۸-۳.
۲. امیری، مهدی؛ رضانی، احمد؛ گلدوزیان، ایرج؛ صلاحی، سهراب (۱۳۹۸). «جایگاه ایفای نقش مقام اجرای مجازات‌ها در نهادهای مبتنی بر خروج موقت و مشروط زندانیان با مطالعه حقوق کیفری ایران، فرانسه و انگلستان»، *مجله تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، ش ۳۹، ص ۴۶-۱۱.
۳. آنسل، مارک (۱۳۹۱). *دفاع اجتماعی*، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی و محمد آشوری، ج دوم، تهران: گنج دانش.
۴. بولک، برنار (۱۳۸۷). *کیفرشناسی*، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، ج هشتم، تهران: مجد.
۵. پراول، ژان (۱۳۹۶). *تاریخ اندیشه‌های کیفری*، برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، ج یازدهم، تهران: سمت.
۶. پورقهرمانی، بابک؛ نگهدار، ایرج (۱۳۹۷). «ارزیابی رویکرد قضات به اعمال نهادهای ارفاقی جدید (مطالعه موردی: محاکم کیفری استان کردستان)»، *مجله مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، دوره ۴۸، ش ۲، ص ۲۵۵-۲۲۷.
۷. پورمچی‌آبادی، حسین؛ بوستانی، داریوش؛ قماش، سعید (۱۳۹۷). «سیطره حبس‌گرایی و رویای حبس‌زدایی در سیاست کیفری ایران (مطالعه موردی حوزه قضایی شهر کرمان)»، *مجله پژوهشنامه حقوق کیفری*، ش ۱۷، ص ۵۹-۳۳.
۸. جلالی، نفیسه؛ گلدوزیان، ایرج؛ غلامی‌دون، حسین (۱۳۹۹). «ساختارسازی عدالت اجتماعی - کیفری با نهادینه کردن نظام نیمه‌آزادی»، *مجله پژوهش‌های اخلاقی*، ش ۳۹، ص ۸۰-۵۹.
۹. حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی؛ یوشی، مهشید (۱۳۹۵). «جلوه‌های رویکرد حمایتی نسبت به بزه‌دیدگان عادی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، *مجله شبک*، ش ۱/۹، ص ۵۸-۴۵.
۱۰. حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۸). «اصلاح مجرمان در سیاست جنایی تقنینی ایران»، *فصلنامه حقوق*، دوره ۳۹، ش ۳، ص ۱۰۳-۸۴.
۱۱. حسانی، جلال‌الدین؛ خلیل‌نژاد کیاسری، سلیمان (۱۳۹۷). «وحدت اقوام و مذاهب در رویکردهای نظام عدالت کیفری ایران؛ بسترها، چالش‌ها و پیامدها»، *همایش ملی همایش ملی میانی گفت‌وگو و راهکارهای عملی وحدت ادیان و مذاهب*، دانشگاه ارومیه، ص ۹۲-۷۶.
۱۲. خالقی، علی (۱۳۹۰). *آیین دادرسی کیفری*، ج دهم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۱۳. خزایی، سمیرا (۱۳۹۳). *بررسی حقوقی و کیفرشناختی نظام نیمه‌آزادی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

۱۴. دهنوی، مریم و دیگران (۱۳۹۵). «بررسی چالش‌های مدیریتی توانمندسازی کارکنان در نظام اداری ایران»، مجله مطالعات مدیریت و کارآفرینی، سال دوم، ش ۲، ص ۱۰۱-۹۲.
۱۵. رضوانی، محمد و دیگران (۱۳۹۵). «تحولات نظام نیمه‌آزادی در سیاست کیفری ایران»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۹۶، ص ۱۰۳-۷۹.
۱۶. زراعت، عباس (۱۳۹۰). حقوق جزای عمومی ۳ (اقدامات تأمینی و تربیتی)، ج ۲، تهران: جاودانه.
۱۷. سپهوند، هاجر (۱۳۹۲). خاستگاه و جایگاه سند ملی پیشگیری از وقوع جرم در نظام عدالت کیفری، در بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، به کوشش اداره کل آموزش و پژوهش سازمان قضایی نیروهای مسلح، چ اول، تهران: میزان.
۱۸. صفاری، علی (۱۳۸۴). کیفرشناسی توجیه کیفر، علوم جنایی، چ اول، قم: سلسبیل.
۱۹. غلامی، حسین (۱۳۹۶). کیفرشناسی (کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم)، چ دوم، تهران: میزان.
۲۰. مورفی، دانیل. اس. فویلان، برایان؛ ریچاردز، استفان سی؛ جونز، ریچارد اس (۱۳۹۷) داغ ننگ الکترونیکی: سابقه کیفری و هویت تخریب‌شده دائمی، نگاشته‌شده در دانشنامه جرم‌شناسی محکومان (مجموعه مقالات)، زیر نظر عباس شیری، چ اول، تهران: میزان.
۲۱. نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۰). توافقی شدن آیین دادرسی کیفری، چ اول، تهران: میزان.

ب) انگلیسی

22. Davis, Mark.s,(2017). *The Role of State Agencies in Translational Criminology: Connecting Research to Policy*, Springer Press, London
23. Garland, David (2001). *The Culture of Control: Crime and Social Order in Contemporary Society*, The University of Chicago Press, Chicago
24. Goody, Jo,(2009). *Victim and Victimology*, Sage publication, London.
25. Piquero, Alex (2016). *The Handbook Of Criminological Theory*, Sage Publication, London.